یادداشت

محاصره اقتصادی آمریکا و پیوستن افکار عمومی اروپایی

ادامه از صفحه اول

به نظر می‌آید این موضوع باید به‌صورت جدی در دستور کار ایران قرار گیرد. بررسی اولیه شامل موارد زیر است:

فرانسه: انتساب رسمی حمله به سپاه پاسداران؛ دادستان پاریس اعلام جزئیات تحقیقات قضائی.

وزیر کشور بلژیک: سرویس‌های امنیتی بلژیک نشانه‌هایی از ارتباط احتمالی حملات سایبری اخیر با بازیگران شناخته‌شده ایرانی یافته‌اند.

وزیر امور خارجه آلمان: هشدار درباره حملات ترکیبی، بدون انتساب رسمی به ایران.

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا: این حوادث سایبری در اروپا، اگر به ایران منتسب شوند، از سوی ما نیز مستلزم واکنشی قوی هستند.

سخنگوی کمیسیون اروپا: اتحادیه اروپا در همبستگی کامل با فرانسه است.

کمیسر کشاورزی و غذا: این حملات تلاشی عامدانه برای مختل‌کردن زنجیره تأمین مواد غذایی ما و تضعیف اعتماد مصرف‌کنندگان به آن است.

گزارش‌های رسمی نهادهای امنیت سایبری اروپا و فرانسه: این بخش از نظر مستندات فنی اهمیت ویژه‌ای دارد. لوموند، گاردین، AFP، رویترز، رسانه‌های آلمانی و اتریشی و... این موضوع را پوشش داده و با گزارش های خود در حال بررسی‌اند. براساس گزارش‌های منتشرشده، کشورهای زیر درگیر حوادث مربوط به سامانه‌های سرمایشی فروشگاه‌ها شده‌اند: فرانسه، بلژیک، سوئد، هلند، استونی، لوکزامبورگ، فنلاند، ایرلند، ایتالیا، آلمان، بریتانیا، رومانی. واضح است این حملات با هدف برانگیختن افکار عمومی اروپا علیه ایران ساماندهی شده است. عراقچی در واکنش به اتهامات فرانسه در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «دولت فرانسه حتی قادر به کنترل یخچال‌های خود نیست، چه رسد به رسیدگی به مشکلات شهروندانش؛ و مسئولیت ناکامی‌های خود را به گردن دیگران می‌اندازد». آنچه در فضای رسانه‌ای می‌توانم بگویم این است که این اظهارات در برابر موجی که در اروپا در عرصه‌های سیاسی، قضائی، رسانه‌ای و گزارش‌های فنی به راه افتاده است کافی نیست، ناقص و غیردقیق است و بلکه ... . این جریان‌سازی و هم‌راستایی آن با تلاش‌های آمریکا که در تحلیل مضمون اظهارات چهار مقام آمریکایی آمد، نشان می‌دهد دستگاه دیپلماسی-امنیتی ایران باید بسیار فراتر از این عمل کند، یعنی فعالیت‌های دیپلماتیک را تشدید کند، افکار عمومی اروپا را مخاطب قرار دهد و گزارش‌های فنی تفصیلی در این موضوع ارائه کند. چنین عملیات سایبری فقط از اسرائیل و عوامل آن برمی‌آید، اگرچه ممکن است شماری ساده‌لوح را خرسند کند اما به‌هیچ‌وجه در راستای استراتژی امنیت ملی ایران نیست. وانگهی، مخالفت شرعی با بمب اتمی دقیقا از همین رو بوده است که توده مردم درگیر آسیب‌های جمعی این‌چنینی نشوند.

عدالت استانی برای توسعه مناطق محروم

ادامه از صفحه اول

۵. منابع و مزیت‌ها و در یک کلام ظرفیت‌های درآمدسازی در سطح کشور را در نگاه راهبردی در سه سطح می‌توان دسته‌بندی کرد: در سطح اول ظرفیت‌های کوچک‌مقیاس قرار می‌گیرند که طبعا باید توسط جامعه محلی مورد بهره‌برداری قرار بگیرند. در سطح دوم ظرفیت‌هایی جای خواهند داشت که فراتر از توان و ظرفیت جامعه محلی هستند و به عنوان یک ظرفیت استانی اداره شده و با لحاظ‌کردن حقوق جامعه محلی در سطح استان درآمدزایی می‌کنند. اما در سطح سوم ظرفیت‌هایی مورد توجه خواهند بود که در مقیاس ملی باید برای بهره‌برداری بهینه از آنها برنامه‌ریزی شود. اگر چنین نگاهی در طول بیش از صد سال گذشته در کشورمان حاکم بود، اکنون شاهد این واقعیت تلخ نبودیم که مثلا فلان منطقه که در خط مقدم شکل‌گیری صنعت نفت بوده و درآمد هنگفتی را نصیب اقتصاد ملی کرده است، خود سهمی جز آلودگی آب‌های سطحی و ویرانی و فقر نصیبی نبرده باشد. اما در پایان مرور یک نکته تاریخی و تأمل در ابعاد آن خالی از لطف نیست. در اواسط دهه ۶۰ و در شرایطی که کشور در جبهه‌ای به طول ۱۲۰۰ کیلومتر درگیر یک جنگ تمام‌عیار زمینی شده بود، مطالعه‌ای در سازمان برنامه و بودجه با هدف طراحی مدلی ریاضی برای تخصیص منابع عمومی به استان‌ها آغاز شد. مسئولان آن دوران می‌خواستند منابع عمومی را به‌گونه‌ای بین استان‌ها و مناطق تقسیم کنند که شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی استان‌ها که فاصله چشمگیری با هم داشتند، با گذشت زمانی نه‌چندان طولانی به هم نزدیک شوند و تصویر مناطق محروم کشور تغییری اساسی بیابد. اینک با گذشت بیش از ۴۰ سال، هنوز دغدغه رئیس‌جمهوری خدوم و دلسوزمان این است که نگذارد منابع و درآمدهای تأمین‌شده در استان از دسترس مقامات محلی خارج شده و منطقه تأمین‌کننده درآمد از منافع آن بی‌نصیب بماند. آیا این واقعیت تلخ معنایی جز بی‌اعتنایی مزمن به مفهوم عدالت منطقه‌ای دارد؟

میوه‌های رسیده دیگران و قافیه‌های شعر ترامپ

ادامه از صفحه اول

برای همین از بین آن هفت کشور که لسلی کلارک می‌گوید در برنامه پنتاگون برای حمله و تسخیر بود، هیچ‌کس حاضر به حماقت ورود به آن نمی‌شد، تا اینکه ترامپ را آوردند که این جنگ را راه بیندازد و به او گفتند برو که راحت پیروز می‌شوی و او هم خیال کرد سه‌روزه و در عرض ۷۲ ساعت کار تمام است و خواست شعر بسراید، ولی کو نظامی گنجوی که بتواند از پس سرودن این شعر با چنین قافیه و ردیف دشواری بربیاید؟ و همین شد که در سرودن شعر واماند و دیوانش را به هرکس نشان می‌دهد، مایه تمسخر است. اما چرا با وجود ماندن در قافیه، از سرودن شعر دست برنمی‌دارد؟ مسئله در چند نکته است. اولا اینکه عقب‌نشستن از این جنگی که خود شروع کرده، در این وضعیت می‌شود مثل ماجرای کانال سوئز و پایان امپراتوری بریتانیا و چنین سرنوشتی اصلا برای آمریکا قابل قبول نیست. ثانیا اگر ترامپ چنین کاری کند، برای او که خودشیفته‌ای یگانه است و در سالگرد استقلال آمریکا دستور داده برایش سکه ضرب کرده‌اند، بزرگ‌ترین سرشکستگی در بین تمام رئیس‌جمهورهای آمریکا خواهد بود و پایان هژمونی آمریکا به نام او ضرب خواهد شد. ثالثا و از همه مهم‌تر اینکه هیچ رئیس‌جمهوری در آمریکا به خاطر شروع هیچ جنگی سرزنش نمی‌شود، ولی از آنجایی که آمریکا در هیچ جنگی پس از جنگ جهانی دوم پیروز نبوده، مردم آمریکا غالبا شکست در جنگ را پای آن رئیس‌جمهوری می‌گذارند که به جنگ پایان داده است. برای همین است که نیکسون با آنکه از اولین روز ریاست‌جمهوری می‌دانست در زمان جانسون در ویتنام شکست خورده‌اند، آن همه طول داد تا بالاخره از ویتنام خارج و شکست به پای او نوشته شد، یا کارتر هم به شکست از ایران متهم شد و انتخابات را باخت یا بایدن که طرح عقب‌نشینی ترامپ از افغانستان را اجرا کرد، ولی شکست در افغانستان به پای او نوشته شد. و از آنجا که رئیس‌جمهورهای شکست‌خورده در آمریکا منفور هستند، ترامپ نمی‌خواهد این شکست به پای او نوشته شود و احتمالا این جنگی را که خودش آغاز کرده، به همین شکل کج‌دار و مریز، دو سال دیگر طول می‌دهد تا رئیس‌جمهور بعدی به آن پایان دهد و شکست به نام نفر بعدی نوشته شود. یعنی همان کاری که در افغانستان کرد. و حالا طول‌دادن دوساله جنگ و راهکار این ادامه را هم می‌گذارد همان که روبیو گفته؛ گرسنگی‌دادن مردم ایران تا تسلیم شوند. همان روش قدیمی محاصره قلعه در جنگ‌های هزار سال پیش تا سرانجام مردم قلعه از گرسنگی دروازه‌های قلعه را به روی دشمن باز کنند. اما مسئله این است که آیا اقتصاد جهان و خود اقتصاد آمریکا تحمل دو سال رکود را خواهد داشت؟ این دقیقا تکرار همان مشکل قافیه است که از هر طرفش را که می‌گیرند، ردیف شعر سرودن‌شان جور نمی‌شود.



دیدار ترامپ، پوتین و شی، خاطره تقسیم جهان را زنده می‌کند

سایه یالتا بر جهان

مهسا مژدهی: دونالد ترامپ، شی جین‌پینگ و ولادیمیر پوتین قرار است روز پنجشنبه در دیداری سه‌جانبه و بی‌سابقه در حاشیه نشست سران مجمع همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه در چین گرد هم بیایند؛ ملاقاتی که در صورت برگزاری، می‌تواند به یکی از مهم‌ترین رویدادهای دیپلماتیک سال تبدیل شود. این دیدار در شرایطی برنامه‌ریزی شده که جنگ اوکراین همچنان یکی از کانون‌های اصلی تنش میان روسیه و غرب است، روابط واشینگتن و پکن با وجود تلاش‌ها برای مهار اختلافات تجاری و راهبردی، شکننده باقی مانده و بحران‌های خاورمیانه بر معادلات امنیتی قدرت‌های بزرگ سایه انداخته است. هم‌زمان، پایان اعتبار پیمان نیواستارت میان آمریکا و روسیه، نگرانی‌ها درباره آینده کنترل تسلیحات هسته‌ای را افزایش داده و احتمال گفت‌وگو درباره چارچوبی جدید برای مهار رقابت تسلیحاتی را به یکی از محورهای مهم این ملاقات تبدیل کرده است. با این حال، اهمیت نشست فقط به موضوعات احتمالی مورد مذاکره محدود نمی‌شود؛ حضور هم‌زمان رهبران سه قدرت بزرگ، این پرسش را پیش کشیده که آیا جهان شاهد بازگشت دیپلماسی قدرت‌های بزرگ و تلاش برای تعیین قواعد جدید مناسبات بین‌المللی است؟ برخی تحلیلگران با یادآوری کنفرانس یالتا در سال ۱۹۴۵، نسبت به شکل‌گیری تفاهم‌هایی هشدار می‌دهند که ممکن است بدون مشارکت مستقیم کشورهای درگیر، بر سرنوشت آنها تأثیر بگذارد. در این میان، هریک از سه رهبر نیز محاسبات متفاوتی دارد. پرونده ایران، آینده جنگ اوکراین، امنیت اروپا و توازن قدرت در آسیا نیز از جمله موضوعاتی هستند که می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از نتایج این دیدار تأثیر بپذیرند. اما آیا این ملاقات زمینه‌ساز تفاهمی تازه میان قدرت‌های بزرگ خواهد شد یا اختلاف منافع آنها مانع شکل‌گیری توافقی فراتر از یک نمایش دیپلماتیک می‌شود؟

دیداری که هر سه به آن نیاز دارند

برگزاری چنین نشستی فقط نشانه‌ای از تمایل سه قدرت بزرگ به گفت‌وگو نیست؛ هریک از رهبران حاضر در آن، در شرایطی متفاوت به دنبال استفاده از این فرصت برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی و حتی سیاست خارجی خود است. دونالد ترامپ که دیپلماسی مستقیم و توافق‌های شخصی را به یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی خود تبدیل کرده، عمیقا مایل است نشان دهد واشینگتن همچنان قدرت محوری در مدیریت بحران‌های بین‌المللی است و حرف اول و آخر را می‌زند. برای او، گفت‌وگو با شی جین‌پینگ و ولادیمیر پوتین فرصتی برای کاهش تنش‌های پرهزینه، دستیابی به توافق در زمینه کنترل تسلیحات و نمایش توانایی آمریکا در مدیریت هم‌زمان روابط با دو رقیب اصلی خود است؛ رقبایی که ترامپ شخصا به آنها علاقه‌مند است. در سوی دیگر، شی جین‌پینگ با محاسبه‌ای پیچیده‌تر روبه‌رو است. چین از یک طرف به ثبات روابط اقتصادی با آمریکا و دسترسی به بازارهای غربی نیاز دارد و از طرف دیگر نمی‌خواهد شراکت راهبردی خود با روسیه را تضعیف کند. پکن همچنین تمایلی ندارد در مذاکرات مربوط به کنترل تسلیحات هسته‌ای، محدودیت‌هایی را بپذیرد که به باور رهبران این کشور با سطح فعلی توان هسته‌ای چین تناسب ندارد. بنابراین، شی تلاش خواهد کرد از جایگاه میزبانی برای تقویت موقعیت بین‌المللی چین استفاده کند، بی‌آنکه هزینه امتیازدهی به واشینگتن یا مسکو را بپردازد. برای ولادیمیر پوتین، این ملاقات بیش از هر چیز فرصتی برای بازگشت به مرکز دیپلماسی جهانی است؛ فرصتی که او پس از حمله به اوکراین آن را از دست داده است. می‌توان گفت اگر دونالد ترامپ در کاخ سفید نبود، بعید به‌نظر می‌رسید با وجود جریان‌داشتن یک جنگ بزرگ در اروپا، رئیس‌جمهور روسیه شانس آن را داشته باشد تا در چنین دیداری شرکت کند.

روسیه پس از چهار سال جنگ اوکراین و مواجهه با تحریم‌های گسترده غرب، همچنان به دنبال تثبیت موقعیت خود به عنوان یک قدرت تعیین‌کننده است. حضور در کنار رئیس‌جمهور آمریکا و رهبر چین، فارغ از نتایج مذاکرات، می‌تواند به کرملین امکان دهد تصویر انزوای بین‌المللی روسیه را به چالش بکشد و از این جایگاه برای افزایش قدرت چانه‌زنی خود استفاده کند.

بدبینی تحلیلگران به نشست ترامپ، پوتین و شی

از مدت‌ها قبل برخی از رسانه‌های غربی نسبت به دیدار رؤسای جمهور آمریکا، روسیه و چین رو ترش کرده بودند؛ در حقیقت آنها نگران یک یالتای جدید به‌نظر می‌رسند.

طرح احتمال شکل‌گیری نوعی تفاهم میان واشینگتن، مسکو و پکن، یادآور کنفرانس یالتا در فوریه ۱۹۴۵ است؛ زمانی که فرانکلین روزولت، وینستون چرچیل و ژوزف استالین درباره ترتیبات سیاسی و امنیتی جهان پس از جنگ جهانی دوم مذاکره کردند. مقایسه نشست احتمالی شنژن با یالتا از این نگرانی ناشی می‌شود که قدرت‌های بزرگ بار دیگر بخواهند بدون مشارکت مستقیم سایر کشورها، درباره مسائل امنیتی و سیاسی مناطق مختلف جهان به تفاهم برسند. در چنین برداشتی، اوکراین، خاورمیانه و شرق آسیا می‌توانند به موضوع چانه‌زنی میان سه بازیگر اصلی تبدیل شوند. با این حال، شرایط امروز جهان با سال ۱۹۴۵ تفاوت اساسی دارد. اوکراین، برخلاف بسیاری از کشورهای اروپای شرقی در پایان جنگ جهانی دوم، بازیگری مستقل با توان نظامی و سیاسی قابل توجه است و نمی‌توان آینده آن را صرفا در مذاکره میان واشینگتن و مسکو تعیین کرد. اتحادیه اروپا هم با برخورداری از ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی گسترده، حاضر نیست به‌سادگی از نقش خود در امنیت قاره چشم‌پوشی کند.

در آسیا نیز متحدان آمریکا، به‌ویژه ژاپن و کره جنوبی، نسبت به هرگونه تغییر در موازنه امنیتی منطقه حساس هستند. از سوی دیگر، چین نیز لزوما خواهان تقسیم جهان به حوزه‌های نفوذ نیست. پکن برای حفظ تجارت خارجی و روابط اقتصادی خود به ثبات بین‌المللی نیاز دارد و نمی‌خواهد با پذیرش چنین الگویی، نگرانی کشورهای اروپایی و آسیایی را تشدید کند. بنابراین، شاید تعبیر یالتای جدید بیش از آنکه پیش‌بینی یک توافق مشخص باشد، بیانگر نگرانی از بازگشت سیاست قدرت‌های بزرگ و تضعیف نقش کشورهای مستقل در تعیین سرنوشت خودشان باشد. گاردین در تحلیلی نوشته است: یالتای اصلی در خارج از روسیه، عموما به عنوان نمادی از معاملات بدبینانه و حتی سرافکندگی تاریخی به یاد آورده می‌شود؛ رویدادی که از نظر وجهه تاریخی می‌توان آن را با مماشات در توافق مونیخ در سال ۱۹۳۸ مقایسه کرد. آن هشت روز، جهان پس از جنگ را شکل داد؛ جهانی که در آن کشورهای غایب کنار گذاشته شدند یا به دست قدرت‌هایی تقسیم شدند که پیروزی‌شان در جنگ جهانی دوم قریب‌الوقوع بود. فرانکلین روزولت که فقط چند ماه تا مرگش فاصله داشت، مصمم بود حمایت روسیه را برای تشکیل سازمانی جدید به عنوان جانشین جامعه ملل و نیز مشارکت این کشور در جنگ علیه ژاپن جلب کند. در مقابل، او حضور روسیه در لهستان را به عنوان واقعیتی تحمیل‌شده پذیرفت و برای پوشاندن ردپای این خیانت، استالین را متقاعد کرد اعلامیه‌ای را امضا کند که بر ضرورت رعایت اصول «حقوق حاکمیتی و خودحکمرانی» در کشورهای آزادشده از سلطه نازی‌ها تأکید داشت.

افراد اندکی تصور می‌کردند این دیکتاتور قصد دارد به توافق پایبند بماند. در واقع، در طول آن هشت روز، نشانه چندانی از پایبندی به تعهدات اخلاقی و سیاسی وجود نداشت. هنگامی که چرچیل به استالین گفت حفظ استقلال لهستان، که دلیل اولیه ورود بریتانیا به جنگ بود، «مسئله‌ای حیثیتی و اخلاقی» است، استالین پاسخ داد این موضوع برای او «مسئله مرگ و زندگی» است. چرچیل هیچ ابزاری برای مقابله با استالین نداشت؛ زیرا او در آن زمان پیروز نبردهای استالینگراد و کورسک بود و فرمانده ارتشی محسوب می‌شد که آلمان را درهم شکسته بود. احساس شرم ناشی از خیانت یالتا در سال‌های بعد، بیش از همه در آمریکا انباشته شد. این احساس تا آنجا پیش رفت که جورج بوش در می ۲۰۰۵، پیش از سفر به مسکو برای شرکت در مراسم شصتمین سالگرد روز پیروزی در اروپا، در سخنرانی‌ای در لتونی گفت یالتا «میلیون‌ها نفر را به اسارت کمونیسم سپرد. هنگامی که کشورهای قدرتمند مذاکره کردند، آزادی کشورهای کوچک به‌نوعی قابل چشم‌پوشی تلقی شد. با این حال، این تلاش برای قربانی‌کردن آزادی به نام ثبات، قاره‌ای تقسیم‌شده و بی‌ثبات برجای گذاشت».

هزاران پرواز لغوشده، مسافران سرگردان

فلج‌شدن آسمان آمریکا

شرق: اختلالی گسترده در سامانه کنترل ترافیک هوایی آمریکا، شامگاه جمعه هزاران پرواز را زمین‌گیر و دولت دونالد ترامپ را با پرسش تازه‌ای درباره فرسودگی زیرساخت‌های حیاتی روبه‌رو کرد. هرچند دستور توقف سراسری لغو شده، موج لغو پروازها تا شنبه ادامه یافته و بازگشت کامل شبکه هوانوردی به وضعیت عادی همچنان زمان‌بر است. سازمان هوانوردی فدرال آمریکا جمعه به دنبال اختلال در ارتباطات مراکز کنترل پرواز، دستور توقف تمام پروازهای خروجی در سراسر کشور را صادر کرد؛ تصمیمی کم‌سابقه که از زمان حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فقط در ژانویه ۲۰۲۳ نمونه مشابهی داشت. شان دافی، وزیر ترابری، شامگاه جمعه اعلام کرد این دستور ساعت ۲۰ و ۱۵ دقیقه به وقت شرق آمریکا، پس از بیش از چهار ساعت لغو شد. اما بازگشایی حریم هوایی به معنای بازگشت فوری برنامه پروازها نبود. آمار اختلال‌ها با گذشت ساعت‌ها افزایش یافت. در گزارش اولیه، بیش از شش هزار و ۶۰۰ پرواز لغوشده و هشت هزار و ۶۰۰ مورد تأخیر ثبت شده بود. سامانه رهگیری پروازها گزارش داد شمار پروازهای لغوشده جمعه از هشت هزار و ۸۶۰ فراتر رفته و حدود دو هزار و ۶۵۰ پرواز شنبه نیز لغو شده است. اختلاف ارقام، حاصل زمان‌های متفاوت ثبت و به‌روزرسانی آمار است. بر اساس برآورد شرکت تحلیل هوانوردی سیریوم، بیش از ۱۱ هزار پرواز با ظرفیت جابه‌جایی بیش از یک‌ونیم میلیون مسافر برای ساعات پس از آغاز بحران برنامه‌ریزی شده بود. دست‌کم ۸۲۷ پرواز تغییر مسیر دادند. در فرودگاه‌های نیویورک، بوستون، شیکاگو، دالاس و لس‌آنجلس، مسافران ساعت‌ها در صف ماندند یا داخل هواپیماهای متوقف‌شده منتظر شدند. اختلال حتی برنامه مسابقات ورزشی و حمل بار هوایی را نیز تحت تأثیر قرار داد.

فرسودگی شبکه و مناقشه بودجه

دافی گفت نخستین نشانه‌های ناپایداری، ساعت ۱۵ و ۳۶ دقیقه در داده‌های راداری و ارتباطات مراکز کنترل آشکار شد. به گفته او، تجهیزات قدیمی با عمر حدود ۸۰ ساله انتقال داده، از جمله روترها و سوئیچ‌ها، زیر فشار حجم اطلاعات دچار اختلال شدند. مقام‌های دولت توضیح داده‌اند افزودن فناوری‌های تازه به شبکه فرسوده، فشار بر تجهیزات قدیمی را افزایش داده است؛ موضوعی که بررسی فنی آن همچنان ادامه دارد. هنگام صدور دستور، بیش از سه هزار و ۵۰۰ هواپیما در آسمان بودند که با اجرای رویه‌های ایمنی به‌تدریج فرود آمدند. مقام‌ها تأکید کردند ارتباطات و رادارها هرگز به‌طور کامل از کار نیفتادند. مارکوین مولین، وزیر امنیت داخلی، اعلام کرد تاکنون نشانه‌ای از حمله سایبری یا دخالت هوش مصنوعی خارج از کنترل شناسایی نشده است. تحقیقات ادامه دارد. دافی نیز ارتباط اختلال با سامانه جدید هوش مصنوعی مدیریت پرواز را رد کرد و گفت این ابزار به تجهیزات معیوب متصل نبوده است. وزیر ترابری از کنگره خواست برای نوسازی سراسری شبکه، تأمین مالی تا سقف ۵۰ میلیارد دلار را در نظر بگیرد. به گفته او، ۱۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار پیش‌تر برای آغاز اصلاحات تخصیص یافته، اما این مبلغ کافی نیست. دولت پیش از بحران نیز خواستار ۳۰ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار اعتبار بیشتر شده بود. این ارقام به مراحل و برآوردهای مرتبط با برنامه نوسازی مربوط‌اند و نباید مستقل از یکدیگر جمع شوند. بر اساس گزارش آسوشیتدپرس، شرکت‌های هواپیمایی هنوز برای بازگرداندن هواپیماها و خدمه به مسیرهای عادی تلاش می‌کنند و آثار بحران ممکن است چند روز ادامه یابد.

گزارش

دونباس در ازای عضویت در ناتو؟

شرق: آمریکا برای نخستین‌بار احتمال معامله عضویت اوکراین در ناتو با عقب‌نشینی از دونباس را مطرح کرده است؛ هم‌زمان کشورهای اروپایی برای ورود مستقیم به مذاکرات صلح نمایندگان خود را تعیین کرده‌اند. با این حال، مخالفت کی‌یف با واگذاری سرزمین و موضع مبهم مسکو درباره حضور اروپا، دستیابی به توافق را دشوار کرده است. تلاش‌های تازه دولت دونالد ترامپ برای پایان‌دادن به جنگ اوکراین، با طرح موضوعی حساس درباره سرزمین‌های اشغالی و آینده امنیتی این کشور وارد مرحله جدیدی شده است. ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین، روز گذشته اعلام کرد مذاکره‌کنندگان آمریکایی برای نخستین‌بار از او پرسیده‌اند آیا کی‌یف حاضر است در برابر عضویت در پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو، نیروهای خود را از بخش‌های تحت کنترل اوکراین در منطقه دونباس خارج کند؟ زلنسکی در گفت‌وگو با خبرنگاران تأکید کرد اوکراین حاضر به عقب‌نشینی و واگذاری سرزمین‌هایش نیست. با این حال گفت اگر واشینگتن و سایر اعضای ناتو چنین پیشنهادی را به‌صورت مشخص و همراه با تضمین‌های امنیتی مطرح کنند، نظر جامعه اوکراین را جویا خواهد شد؛ زیرا اختیار اتخاذ چنین تصمیمی را به‌تنهایی ندارد. این اظهارات به معنای ارائه پیشنهاد رسمی عضویت در ناتو نیست. به گزارش اینترفاکس اوکراین، زلنسکی تصریح کرده هنوز پیشنهاد مشخصی روی میز قرار ندارد. روسیه همچنان خواستار خروج نیروهای اوکراینی از مناطقی در دونباس است که نتوانسته آنها را تصرف کند؛ در مقابل، کی‌یف شناسایی حاکمیت روسیه بر سرزمین‌های اشغالی را رد می‌کند. هم‌زمان با مطرح‌شدن این موضوع، رهبران اروپایی روز جمعه در نشست دوبلین توافق کردند آلمان، فرانسه، ایتالیا، لهستان و بریتانیا، همراه با نمایندگان نهادهای اتحادیه اروپا، در گفت‌وگوهای آینده صلح حضور داشته باشند.

آنتونیو کوشتا، رئیس شورای اروپا، اعلام کرد این کشورها با موضعی هماهنگ وارد مذاکرات خواهند شد. اروپایی‌ها معتقدند توافقی که آینده مرزها و ترتیبات امنیتی قاره را تعیین می‌کند، نمی‌تواند بدون مشارکت آنها نهایی شود. استیو ویتکاف و جرد کوشنر، فرستادگان ترامپ، پس از گفت‌وگوهای سه‌جانبه با نمایندگان روسیه و اوکراین در ابوظبی، پنجشنبه در مسکو با ولادیمیر پوتین دیدار کردند و سپس برای ملاقات با زلنسکی به دوبلین رفتند.

کوشنر پس از این دیدارها اعلام کرد مسکو و کی‌یف با حضور اروپایی‌ها در دور بعدی مذاکرات موافقت کرده‌اند؛ اما وزارت خارجه روسیه این برداشت را زیر سؤال برد. ماریا زاخاروا، سخنگوی این وزارتخانه، گفت موضوع مشارکت اروپا در مذاکرات مسکو با فرستادگان آمریکا مطرح نشده است. دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، نیز تأکید کرد روسیه فقط زمانی درباره گسترش ترکیب مذاکرات تصمیم می‌گیرد که از آمادگی واقعی اروپایی‌ها برای کمک به روند صلح اطمینان پیدا کند.

موضوع مذاکرات فقط به دونباس محدود نمی‌شود. واشینگتن و مسکو درباره چارچوب امنیتی گسترده‌تری برای اروپا نیز گفت‌وگو کرده‌اند؛ موضوعی که زلنسکی درباره پیامدهای آن هشدار داده است. او نگران است روسیه از این مذاکرات برای تغییر توازن امنیتی قاره و محدودکردن نقش ناتو استفاده کند. در مقابل، رهبران اروپایی بر حفظ فشار اقتصادی و نظامی بر مسکو تأکید دارند. اورزولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، از آماده‌سازی بیست‌ودومین بسته تحریمی علیه روسیه خبر داده است. گفت‌وگوهای ابوظبی همچنین موضوع توقف حملات به زیرساخت‌های انرژی، تبادل اسیران و بازگشایی مسیرهای دریای سیاه را در بر گرفته است. زلنسکی از احتمال تبادل حدود هزار و ۲۰۰ تا هزار و ۳۰۰ اسیر از هر طرف سخن گفته، اما درباره اختلاف‌های سرزمینی، پیشرفت تعیین‌کننده‌ای گزارش نشده است.

برگ سبز نیسان آبی مدل ۱۳۸۳
به شماره پلاک ۱۰ایران ۵۲۵ج۵۸
شماره شاسی D۵۷۹۴۷ و شماره موتور ۲۶۵۴۵۲
به نام مسیح االله نوری با کد ملی ۵۳۸۹۴۴۶۷۲۰
در ۱۴۰۵/۰۷/۱۵ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز، سند کمپانی و کارت خودرو پیکان وانت سفید
مدل ۱۳۸۰ به شماره ۱۲۱ایران ۱۷۹و۳۴
شماره شاسی ۰۰۸۰۹۱۵۸۲۲ و شماره موتور ۱۱۵۱۸۰۱۵۵۰۹
به نام سند علی کرمانی با کد ملی ۰۰۶۲۵۸۵۰۸۸
در ۱۴۰۵/۰۸/۲۰ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب رسول قنبرهراتی** فرزند سلمان به شماره شناسنامه ۱۴۴۰ صادره از تنکابن در مقطع کاردانی پیوسته رشته کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی رودسر و املش با شماره ۸۴۸-۱-۲۷-۰۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودسر به نشانی: استان گیلان - شهرستان رودسر - دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودسر ارسال نماید.